

پنج سال فعالیت و وقوع رویدادهای اجتماعی - سیاسی مورد انتظار

“اتحادیه دموکراتیک کردستان با درک واقعیت و شناخت اهمیت جنبشهای اجتماعی و درک گفتمان نظام اسلامی، به این نتیجه رسیده بود که بهترین عمل ممکن برای تغییر در ساختار سیاسی فعلی و گذار از نظام اسلامی ایران و به دموکراسی و مردمی کردن حکومت در ایران، در پیش گرفتن مبارزات مدنی، حمایت از جنبشهای اجتماعی و متد نرم در عمل و گفتمان سیاسی است”



محمد خوشچهره

جنگ

افروزی با فروریختن دیوار برلین و قبل از آن در سال ۱۹۸۶ به اجرا گذاشتن طرحهای گلاسنوست (فضای باز سیاسی) و پرسترویکا (گشایش اقتصادی) از جانب گورباچف همراه بود که وقوع چنین حادثه عظیم تاریخی و اجرای چنین طرحهایی موج رو به گسترش دگرگون خواهی و درک نیاز به تغییر رویکرد بود و نهایتاً منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد، لذا با این فروپاشی نقطه پایانی بر جنگ سرد گذاشته شد.

اگرچه نظام دو قطبی جهانی و جنگ سرد پایان یافت اما تفکر و نگرش جنگ سرد و جبهه گیریهای فکری در میان جوامع جهان سومی و تشکیلات و احزاب و سازمانهای سیاسی به قوت خود باقی ماند. و با نگرشی دگم بر اجرای تفکرات منقضی خود پای می فشردند که همین نحوه نگرش باعث عملکرد نامعقول و غیر علمی جریانات و سیستمهای سیاسی ای شد که بعداً در حوزه بالکان و خاورمیانه نتایج آن را همگی شاهد بودیم؛ نتایجی همچون اضمحلال فکری، ریزش ساختاری، انشعاب و انشقاق سیستمی و جغرافیای سیاسی، تنزل پایگاه سیاسی - اجتماعی و نهایتاً انهدام سیستم سیاسی و سرنگونی تعدادی از رژیم های فکری قرن بیستمی را به همراه داشت که همچنان بر عدم تغییر نگرش و رویکرد خود پای می فشردند.

نقطه عطف تغییرات پایانی قرن بیستم ظهور اندیشه های اصلاح طلبی و دگرگون خواهی میانه روانه ای بود که به اهمیت آن روز به روز نیز افزوده می شود. تفکراتی و اندیشه های که برگرفته از نحوه مبارزات مدتی و جنبش های اجتماعی دهه ی هفتاد می باشد. جنبشی با عملکرد نرم و بهره گیری از اتمسفر و فضای نوین ایجاد شده در سطح جامعه جهانی که مشی دموکراسی خواهی و اصلاح سازی نظام فکری حاکم بر جوامع بشری را مد نظر قرار داده بود. و در این میان با مبانی دموکراسی و ارائه تعریفی واحد از آن و بکاگیری پدیده نوین دیگری به نام گلوبالیسم و با در اختیار گرفتن فناوریهای علمی و تکنولوژیکی حاصل از پیشرفت دانش بشری توانست نشر و گسترش یابد و نسب به شرایط خاص اکوزیستی و زیست اجتماعی جوامع مختلف به بیان دیدگاههای متفاوت برخاسته از خواسته های واقعی درون زاد این جوامع بپردازد.

موج گسترش تفکرات میانه روانه برخلاف ایدئولوژی های سیاسی و آیینی حاصل تغییر نگرش به وضعیت موجود و برون رفت از یک سده بحران بود که خود را در قامت و قالب نمودار دموکراسی خواهی و نشر حقوق بشر به مثابه یک نیاز انسانی که معنای پایه قوانین حاکم بر جوامع بشری می باشد نمایان می شد و در این راستا پیشرفت دانش جوامع مختلف، به هم پیوستگی اقتصاد جهانی و تبادل و تزریق تکنولوژی در داخل بازارهای جهانی و همچنین پیشرفت و گسترش ارتباطات همراه با دانش و تکنولوژی آن در سطح بین الملل، جهان را به مثابه یک دهکده در عصر ارتباطات قرار داد که مراد و ارتباط فرهنگها و سنتز میان آنها باعث فرهنگ جهانشمول تری شد که خمیر مایه ی اصلی نشو و نمای همچنین فرهنگی، فرهنگ تعامل صحیح و خوی تغییرات دائمی با رویکرد اصلاح طلبی بر پایه ی احترام به حقوق بشر است؛ همین مسئله و بررسی خواسته های حقوقی و سیاسی جوامع در حال رشد که اخصاً ایران را شامل می شد سیستم های حکومتی و سیاسی حاکم بر این جوامع را به چالش کشید که جریانات سیاسی درونی و بیرونی موجود در جوامع را نیز به لرزه درآورد.

اگرچه نظام جمهوری اسلامی ایران حاصل جریانات و تفکرات رو به رشد اسلام گرای دهه ی هفتاد بود و این تفکرات اسلام گرای تا حدودی معتدل عمل می کردند اما با بر تخت اریکه قدرت تکیه دادن نظام جمهوری اسلامی، رویکرد این جریانات اسلام گرای در نقاط مختلف خاورمیانه تغییر کرد و با عقبگرد به تاریخ جهل، استبدادگرایی و خشونت گرایی هزینه های هنگفت انسانی و مادی جبران ناپذیری را بر پیکره این جوامع وارد کردند که در مقابل نیز جریانات چپگرا و سیستم های حکومتی - منطقه ای نیز همان رویکرد را در برابر چنین جریاناتی در پیش گرفتند که نتایج بدتری را به بار آورد. و این زائیده تفکرات همان دوران قرن بیستمی و منطبق دوست و دشمن و خودی و غیرخودی بود که ماحصل دو قطبی بودن جهان و توهم زایی روز افزون در ترسیم دشمن فرضی است که مجالی را برای ابراز عقیده و منفذی برای درج بیان آزاد این عقاید قائل نبود.

در برابر نگرش این دو تفکر قرن بیستمی جریان سومی در داخل جوامع سومی شروع به نشو و نما نمود. با توجه به آنچه که شرایط جهانی بعد از نظام دو قطبی ایجاد کرده بود و بهره گیری و اشتراک گذاری تکنولوژی و دانش ارتباطات سریع و تبادل فرهنگی میان تمدنها را آسانتر و سریع تر نموده بود که همان جریان اصلاح طلبی و میانه روانه در معادلات سیاسی دوران حاکمیت و تغییرات تدریجی قوانین ناقض حقوق بشری است که امروزه در اکثر جوامع به غیر از نظام جمهوری اسلامی ایران، بوقوع پیوسته است. اما علت عدم موفقیت آن در ایران خود جای بحث است که بیان خواهد شد.

تغییرات ملموس و عینی در خاورمیانه همراه با حمله حکومت بعث به کشور کویت و اشغال این کشور این کشور در سال ۱۹۹۰ بود که جامعه بین المللی را وادار به مداخله مستقیم نظامی نمود که خود همین مسئله نیز با اختیار کردن فاکتور تک قطبی بودن جهان و عدم وجود دو قطب مخالف بود که راه را برای پدید آوردن تغییرات منطقه ای در خاورمیانه همراه نمود. واقعیت مسئله نظامهای حاکم بر خاورمیانه این است که این سیستم ها میراث استعماری اروپا و همچنین میراث قرن بیستمی تفکرات فرادست و فرودستی آن دوران بودند که هنوز نیز این تفکرات در منطقه و مخصوصاً ایران حاکم است که در ادامه مبحث ما اختصاصاً ایران خواهد بود.

این تفکرات با رواج خشونت گرایی و میل به سرکوب در منطقه و با حمایت نکردن از گروه های ملی فرودست، همیشه عامل و فاکتور مهمی در تشکیل حرکات و جریانات خشونت پسند بوده اند. که برخی از این جریانات برای احقاق حقوق مسلم خود که شامل اپوزیسیون و احزاب ملی گرای فرودست و برخی از جریانات دیگر مانند رانت های قدرت و جنگ در درون

مراوده و ارتباط فرهنگها و سنتز میان آنها باعث فرهنگ جهانشمول تری شد که خمیر مایه ی اصلی نشو و نمای همچنین فرهنگی، فرهنگ تعامل صحیح و خوی تغییرات دائمی با رویکرد اصلاح طلبی بر پایه ی احترام به حقوق بشر است

سیستمهای حکومتی هستند که جریان و رانت های جنگ و قدرت درون حکومت برای پیشبرد اهداف سیاسی در دستیابی به قدرت و تامین منافع مادی خود در اقتصاد جنگ، مهمترین بازیگران خشونت گرایی در منطقه بوده اند.

دهه نود قرن بیستم مخصوصاً نیمه دوم این دهه، حامل تغییرات مهمی بود، از یک طرف خستگی مفراط جامعه ایرانی از تندروی و جنگ و از سوی دیگر معادلات جدید منطقه ای و بین المللی همراه با پدیده روبه رشد ارتباطات جمعی ارائه شده از طرف بازاریابیهای اقتصادی گلوبالیسم، زمینه مهم و مناسبی را برای تغییر نگرش سیاسی و عملکرد حاصل از آن فراهم نمود. کردستان ایران همراه با به قدرت رسیدن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران صحنه مبارزات مردمی و هجوم نیروهای حکومتی به این مناطق مظلوم بود که به مدت طولانی چندین ساله و به طور مستمر ادامه داشت، و از طرف دیگر با هجوم

نیروهای چند ملیتی به رهبری آمریکا به عراق و باز پس گیری کویت و تمهید چتر امنیتی در مدارهای مشخص برای کردها در شمال عراق و عربهای شیعه در جنوب این کشور، زمینه برای دستیابی به آرزوی چندین دهه تشکیل دولت گردی فراهم شد؛ حکومت نوپای کردستان عراق و وابستگی اقتصادی به بیرون از حوزه جغرافیای اقتصادی کردستان و همچنین احتیاج به راه ارتباطی زمینی، زمینه را برای دخالت جمهوری اسلامی ایران در کردستان عراق فراهم نمود و باعث شد که برای تامین امنیت و معیشت مردمی کردستان عراق، احزاب کردستان ایران فعالیت های نظامی خود را کاهش و در مناطق دورتری از مرز با ایران قرار گیرند. لذا خود همین مسئله باعث خلاء سیاسی در درون جامعه کردستان ایران شد.

در چنین شرایطی بود که طیفهایی از حاکمیت جمهوری اسلامی با درک واقعیت جامعه ایران که گرایش به سوی آرامش و آسایش و همچنین دوری گزینی از ادبیات خشن جنگ و ارباب داشت با فراخوانی به سوی اصلاحات اساسی در سیاست کشور و اجرای اصول معوق مانده قانون اساسی که بیان کننده جزئی از حقوق قشرهای مختلف از طیفهای گوناگون فکری و عقیدتی و همچنین قومی و ملی بود توانست جو میانه روی را در افکار عمومی کشور وارد نماید و همزمان با این روند ارتباطات گسترده و به راه افتادن شبکه های ماهواره ای تا حدودی به روشنگری افکار عمومی به سوی دموکراسی و احقاق حقوق خود (مانند tv med) و رعایت حقوق بشر پردازند و خط اصلاحات بعنوان یک نیاز مبرم در جامعه مشخص و صدایی رساتر از رادیکیالیسم عقیدتی و ایدئولوژیکی حاکم داشت و در این میان کردها نیز با حمایت بی شائبه و گسترده خود که در تاریخ ایران بی سابقه بود به حمایت از اصلاحات و به جانبداری از این طیف پرداخت، به امید تحقق جزئی ترین حقوق خود در اصول قانون اساسی که اجرایی نشده بودند.

تا زمان دولت اصلاحات در نظام اسلامی، مفهوم جنبش های اجتماعی و مبارزات مدنی تقریباً در داخل جامعه ایران مفهومی بیگانه بود، زیرا طی چندین دهه گذشته که همواره استبداد و خشونت گرایی امر واقع در اجرای سیاست و پیشبرد منافع پیوست به آن در داخل جامعه و به شیوه ای سیستماتیک آموزش و اجرا می شد، اما در این زمان بود که نیروهای روشنفکر جامعه با درک نیاز تاریخی در این برهه از زمان در ارتقاء فرهنگ عامه با مفاهیمی از جنبش های اجتماعی و کارزار فرهنگی، مراوده و گفتگوی فرهنگی و تمدنی و دوری گزینی از خشونت و کنار زدن چتر استبداد و دیکتاتوریت کوشا شدند. و این روند با روند جهانی چنین مفاهیمی در یک جهت و به صورت یک فرهنگ بزرگتر در سطح جهانی